

«با تفسیرها و بدون تفسیرها» شماره ۲، ۴۰/۱۱

مجله «نیشن» چاپ آمریکا در شماره مخصوص ژوئن ۱۹۶۱ نوشت:

موسسه حقوقی سالیون و کرومول که برادران دالس در آن مشارکت داشتند مشاورت حقوقی شرکت نفت انگلیس را به عهده داشت. آیزنهاور که شدیداً تحت نفوذ برادران دالس بود تصمیم گرفت در صحنه بین‌المللی به قمار دسیسه‌آمیز جدیدی دست بزند پس از یک ماه به مصدق جواب رد داد و متعاقب آن تحریکات شروع شد. «آن دالس بعنوان مرخصی با زنش به اروپا می‌رود بر حسب اتفاق هندرسن سفیر آمریکا در ایران هم عازم سوئیس می‌شود و شاهزاده خانم اشرف پهلوی و سرتیپ نورمان شوارتسکف هم فرا می‌رسند و نقشه کار فراهم می‌گردد.» «شوارتسکف به تهران می‌آید با شاه ملاقات و زاهدی را یاد می‌کند. پول سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به مقادیر متناهی به جریان می‌افتد. منابع موثق این پول را به ۱۹ میلیون دلار بالغ میدانند»

آنگاه نویسنده مقاله نتیجه می‌گیرد که آنچه سازمان اطلاعات در ایران انجام داد یک کودتا بسبب قدیم برای نجات سرمایه یک میلیارد دلاری شرکت نفت بود. . . . و در موقع بحث از کمک آمریکا می‌گوید کمک آمریکا نتیجه‌اش فقط تورم و فساد و ارتشاء بوده است.

هوبرت هامفری با تحیر و تعجب بیکی از خبرنگاران گفته است که آیا میدانید فرمانده کل ارتش ایران بیکی از دوستان من چه گفته است؟ گفته است در نتیجه کمک آمریکا وضع ارتش ایران خوب است و بخوبی می‌تواند با مردم غیر نظامی ایران مصاف دهد. . . . ارتش ایران با روسها نمی‌جنگد. . . برنامه ارتش ایران جنگ با مردم ایران است و برای ختم مقال مینویسد: «ایران حقیقتاً عامل زنده‌ای است از خروشچف ضمن اظهارات خود به والتر لیپمن گفته که معتقد است دنیای غرب خود بخود کارهایی بنفع او انجام می‌دهد. ما مسوول استقرار و تقویت رژیم‌های دیکتاتوری فاسد دست راستی هستیم و بالنتیجه اعتقادات خروشچف را برای او محقق می‌سازیم.»

جنگ ارتش ایران با مردم ایران

مجله نیوزویک در شماره ۵ فوریه ۶۲/ مینویسد: «در نظر اول بنظر می‌رسید که انقلابی که مدتها است انتظار آن می‌رود در ایران بوقوع پیوسته است. هزاران دانشجویان از درهای دانشگاه بیرون ریختند در حالی که فریاد میکشیدند «سرنگون باد امینی - سرنگون باد حکومت فاسد و مزدور» اتوموبیل‌های بلندگودار به دانشجویان اخطار کرد که متفرق شوند. وقتی که ۶۰۰۰ دانشجوی باین دستور توجهی نکردند پلیس برخلاف قانون وارد دانشگاه شد. . . دانشجویان سنگ پرتاب کردند نیروهای انتظامی آنرا با گاز اشک‌آور و باتون جواب دادند. در خاتمه ۳۰۰ دانشجوی بزندان افتادند. یکفر کشته شد و ۲۱۸ نفر دیگر زخمی شدند. نخست‌وزیر علی امینی گفت: اگر از نظر سلول زندان دچار کمبود شویم زندانهای جدیدی خواهیم ساخت. شاه محمد رضا پهلوی مضطرب و نگران است به امینی یک اختیارات ششماهه دیکتاتوری اعطاء کرده است. . . سپس امینی با رهبر دست راستی‌ها ژنرال تیمور بختیار به آزمایش قدرت پرداخت. - امینی می‌خواست او را زندانی کند ولی بختیار باو پیغام داد که: من هر کسی را که برای دستگیری بیاید با گلوله از پای درخواهم آورد. این تهدید بختیار به امینی باعث شد که امینی از شاه بخواهد او را بعنوان مرخصی به اور پا بفرستد.

نیویورک تایمز در شماره ۲۲ ژانویه ۶۲/ نوشت: نیروهای انتظامی در یک یورش سه ساعته علیه طرفداران محمد مصدق ۳۰۰ نفر از دانشجویان را توقیف نموده در این یورش پلیس از باتون و بمب اشک‌آور و پاره‌آجر استفاده می‌کرد. هدف اصلی دانشجویان انجام سریع انتخابات بود. اعلامیه دولت حاکی از دستگیری ۳۰۰ نفر است ولی مامورین بیمارستانها می‌گویند به معالجه ۴۰۰ نفر که جراحتهای شدید داشته‌اند پرداخته‌اند.

رئیس دانشگاه مینویسد:

امروز یکشنبه اول بهمن ماه ساعت یازده و ربع عده‌ای نظامی بدون آنکه اتفاقی مداخله آنرا ایجاب نماید به محوطه دانشگاه وارد شده و جمعی از دانشجویان را مضروب و مجروح نموده‌اند دانشگاه نسبت به این عمل رسماً اعتراض و تقاضای رسیدگی و تعقیب مرتکبین و مجازات آنرا از دولت مینماید.

نهضت آزادی ایران در اعلامیه پنجم بهمن ماه مینویسد:

دانشگاه دوسال است درست مقارن... عید بزرگی که بافتخار ولادت امام غایب و در انتظار پیروزی حق بر باطل برپا است مرکز کینه‌جویی و ستمگری‌های هیأت حاکمه میگردد... روز اول بهمن ماه ۱۳۴۰ ایادی مرموز ولی شناخته شده‌ای با تحریک مستقیم و غیرمستقیم وضعی در محیط پاک دانشگاه ایجاد نمودند که حتی ذکر آن در دنیای امروز شرم‌آور و اسفانگیز است... .

افراد پلیس و ژاندارم و چتر باز... با شریفترین و گرامی‌ترین افراد وطن چنان دست بگریبان شدند که هیچ پدر کشته‌ای با دشمن خود آنچنان انتقامجویی نمیکند... .

ملت ایران مسوول حادثه... را کسی میداند که قوای انتظامی را رهبری و سرپرستی میکند. حال اگر دولت نظارت و حکومت بر قوای انتظامی داشته و دارد باید محاکمه شود و اگر خود آلت بدون اراده و بدون اختیاری در مسیر آنهاست باید صریحاً بگوید که قوای انتظامی از کجا و چگونه دستور میگیرند. اعلامیه کمیته جبهه ملی مونیخ مینویسد:

یاران عزیز. اخبار واصله حاکی از اعمال وحشیانه و شرم‌آور پلیس ایران علیه دانشجویان گرانمایه دانشگاه تهران است... چرا؟ برای اینکه آنها آزادی رهبر خود آقای دکتر مصدق سمبل آزادیخواهان ایران را خواهانند. امکان فعالیت‌های سیاسی برای سازمان‌های ملی را مطالبه میکنند و میخواهند... انتخابات مجلس بعمل آید. اعلامیه با سلام به پدر خردمند و پیشوای عالیقدر ملت خاتمه می‌یابد.

نامه رسیده از آلمان مینویسد: ده هزار اعلامیه به زبان آلمانی چاپ و منتشر شد چون روز دوشنبه دمنوستراسیون بود. دانشجویها در شهرهای آخن - هانور - اولگین متینگ دادند. دانشجویان وین به کنسولگی حمله بردند و در نتیجه زد و خورد مابین دانشجویها و پلیس درگرفت و عده کثیری زخمی شدند.

باختر امروز در شماره فوق‌العاده خود اعلامیه شورای عالی موقت جبهه ملی ایرانیان مقیم خارجه چاپ کرده و نوشته است... بار دیگر فریاد حق‌طلبانه ملت ایران از زبان هزارها دانشجوی جوان در زیر آسمان آبی وطن ما طنین افکن شده است. دیروز یکشنبه هزاران تن از دانشجویان علیه حکومت شاه و امینی به تظاهرات پرشوری دست زدند... آنها طلب کردند که دکتر مصدق رهبر ملت ایران باید آزاد شود.

پلیس تهران به دستور مستقیم شاه متظاهرين را به گلوله بست... .

در این لحظات حساس تاریخ وطن که برادران غیور و بی‌باک شما در سنگر اول مبارزات ملی سینه در برابر گلوله‌های شاه سپر کرده‌اند و اکنون که صدها تن از آنان در سیاه چالهای قزل‌قلعه زندانی هستند بر شما است که با تظاهرات یکپارچه در برابر سفارتخانه و نمایندگیهای ایران و بیاری مبارزان وطن برخیزید.

اعلامیه با سلام و تعظیم به دانشجویان دانشگاه تهران و شعار برقرار باد حکومت ملی دکتر مصدق ختم

میگردد.

و اما در ایران خودمان نیز جریان به سکوت برگزار نشد.

در کرمانشاه کانون جوانان وابسته به حزب پان ایرانیست فرمان میدهد: نسل جوان و بیدار در راه نبردهای ملت ایران به پیش و بار دیگر اعلام میکند که توطئه بر ضد سنگر دانشگاه محکوم به شکست است و هیچ دسیسه‌ای نمیتواند مبارزه اصیل و ملی ما را منحرف کنند.

و سازمان دانشجویان حزب پان ایرانیسم، هیأت حاکمه را محکوم کرده میگوید: بیداری و هشیاری و تشخیص نسل جوان آنرا سخت ناراحت و پریشان ساخته که حتی شرم نیاورده استادان و کارمندان دانشگاه را نیز مورد ضرب و اهانت قرار داده‌اند - سازمان مذکور نسبت به تجاوز اول بهمن اعتراض کرده آزادی دانشجویان و مجازات عاملین و مسببین تجاوز غیرقانونی به دانشگاه را خواسته است. اعلامیه‌های سازمان دانشجویان و دبیرستانهای مشهد وابسته به جبهه ملی از همه شوق‌انگیزتر و امیدوار کننده‌تر است ظاهراً این اعلامیه کوچک به خوبی نشان میدهد که طبقه جوان کشور ما در چه شرایط سخت و ناگواری علیه بیدادگری طبقه حاکمه به مبارزه برخاسته است. دانش‌آموزان مشهد در یکی از اعلامیه‌ها خبر از تعطیل عمومی و مقاومت بخاطر هدفهای انسانی خودشان میدهند و در اعلامیه دیگر نفرت و انزجار خود را از جلادان بیرحم و خدانشناس ابراز داشته و نوید میدهند که همصدا با دانش‌آموزان قهرمان پایتخت به نبرد علیه بی‌ایمانان ادامه خواهند داد.

اما وقتی که طبقه حاکمه میکوشد پرده استتار بر حوادث اخیر بکشد و اعمال رذیلانه خود را در مقابل مردم توجیه نماید جبهه ملی در اعلامیه خود نقاب از چهره آنان برمیدارد.

جبهه ملی میگوید... دستگاهی که دختر و پسر دانشجو را با سرنیزه از کلاس درس و پشت میز آزمایشگاهها ساعتها شکنجه میدهد و مجروحین را در حال بیهوشی و فریاد و فغان به چوب میبندد و ساعت و موجودی نقدی آنانرا در این خلال بغارت میبرد و مجروحین را از روی تخت بیمارستان کوچک دانشگاه بزیر لگد میاندازد و دانشگاه تهران را به مخروبه‌ای مبدل ساخته و چون قشون چنگیز از هیچ تباهی فروگذار نمیکند اکنون در مقام انتقام‌جویی از ملت برآمده... و هنوز خود پاک دانشجویان بر در و دیوار دانشکده‌ها خشک نشده بود که دست ناپاک و جنایتکار استبداد یک جوان آزاده (مهدی کلهر) دانش‌آموز دبیرستان علمیه را بخون کشید... و با توقیف اشخاص فاسد و مزدور خارجی چون رشیدیان و فرود که از همفکران وفادار نخست‌وزیر غیرقانونی دستگاه حاکمه هستند در مقام سرکوب کردن مبارزات اصیل ملت ایران برآمده است.

جبهه ملی در تاریخ ششم آبان اعلانیه دیگری صادر نموده است و از دانشجویان و دانش‌آموزانی که به ندای جبهه در مورد تعطیل عمومی پاسخ داده‌اند تشکر نموده و به توقیف غیرقانونی صدها دانش‌آموز و دانشجو و استاد و آزادیخواه و عده‌ای از رهبران جبهه اعتراض نموده و دولت را به ناجوانمردی متهم نموده است زیرا دولت غیرقانونی امینی برای توجیه عملیات جنایت بار نیروهای انتظامی و تبرئه خود تظاهرات دانشجویان را الهام گرفته از نبردهای ارتجاعی و منابع خارجی معرفی نموده است.

جبهه ملی میگوید اگر کسی کمی شرف و انصاف و کوچکترین بستگی به ملت ایران داشته باشد چنین نسبتی را به جبهه ملی و عناصر وطنخواه نمیدهد... آقای دکتر امینی شما اگر نمیخواهید که با تکیه به تبلیغات بیگانگان برای موجه قلمداد کردن اعمال زشت قوای انتظامی خود مندرجات جرایم ارتجاعی و استعماری تایمز لندن و منچستر گاردین را که کارگردانان اصلی حکومت خود دیکته میکند از رادیو ایران بخوانید و از آنها بهره‌برداری کنید بدانید که جبهه ملی ایران از افکار عمومی ایران بهره‌مند است و بهمین جهت نیاز به پشتیبانی و راهنمایی جرایم بیگانه از هر گروهی که باشد ندارد... و لابد به همین دلیل است که روزنامه نیویورک‌تایمز در شماره مورخه ۴ دسامبر ۱۹۶۱ خود باین مطلب اشاره کرده مینویسد رهبری طبقه متوسط با جبهه ملی است. روزنامه مزبور صریح مینویسد که هیچ اطمینانی نیست که حکومت امینی و یا حکومت دیگری که وسیله شاه منصوب

شود و تحت نفوذ و اوامر شاه قرار گیرد میتواند بطور موثری با تنبلی و فساد و جهل و عقب‌افتادگی و بوروکراسی مبارزه کند و طرفداران جبهه ملی را در دانشگاه به ۸۰ تا ۹۰ درصد تخمین میزند و میگوید اینها و بازاریها و طبقه جوانان تحصیل کرده و ناراضی از اوضاع و افسران چنان قدرتی را تشکیل میدهند که به آسانی قادر بواژگون کردن تشکیلات فعلی کشورند. اینها نه تنها کمونیست نیستند بلکه ضد کمونیست هم هستند. اما اگر همین ضد کمونیستها قدرت را بدست گیرند بدون شک براهی سوای آنچه آمریکاییها مایلند خواهند رفت.